

## ورشکستگی انترناسیونال سیمروالد. تأسیس انترناسیونال سوم ضروری است

۱- انترناسیونال سیمروالد از همان آغاز خود در موضع متزلزل «کانوتسکیستی» و «مرکز» قرار گرفت و بالنتیجه جناح چپ سیمروالد مجبور گشت بی درنگ خود را کنار بکشد و مجزا گردد و بیاتیه ای از جانب خود صادر کند (که در سونیس به زبان های روسی، آلمانی و فرانسه به چاپ رسیده است).

نقص عمده انترناسیونال سیمروالد و علت ورشکستگی آن (زیرا از لحاظ مسلکی و سیاسی دچار ورشکستگی شده است) تزلزل و بی تصمیمی در مورد مهم ترین مسأله ایست که از لحاظ کار عملی معین کننده همه چیز است، این مسأله گسیختن کامل پیوند با سوسیال شوینیسیم و انترناسیونال سوسیال شوینیسیتی قدیمی است که واندرولد و هونیس مانس در لاهه (هلند) و سایرین بر رأس آن قرار دارند.

در نزد ما هنوز نمی دانند که اکثریت سیمروالد را همان کانوتسکیست ها تشکیل می دهند. و حال آن که این یک مسأله اساسی است که نمی توان آن را به حساب نیاورد و در اروپای باختری اکنون همه از آن آگاهند. حتا هیلمان شوینیسیت و آن هم شوینیسیت افراطی آلمان (که البته «سوسیال دموکرات» و طرفدار دو آتشه ی «وحدت» سوسیال دموکراسی است). این سر دبیر روزنامه ی سرپا شوینیسیتی «هنیتس» و یکی از دبیران مجله ی سرپا شوینیسیتی «کولوکول» متعلق با پارووس مجبور شد در جراند اعتراف کند که مرکز یا «کانوتسکیسم» و اکثریت سیمروالد هر دو یکی است.

و اما پایان سال ۱۹۱۶ و آغاز سال ۱۹۱۷ این قضیه را به طور قطعی محرز ساخت. با وجود تقبیح سوسیال پاسیفیسم در بیانیه ی کینتال<sup>۱</sup> تمام جناح راست سیمروالد، تمام اکثریت سیمروالد به ورطه ی سوسیال پاسیفیسم در غلطیدند: گائوتسکی و شرکاء ضمن یک سلسله برآمدهای خود در ژانویه و فوریه سال ۱۹۱۷؛ بوردرن و مرهیم در فرانسه هنگامی که یک دلانه، به اتفاق سوسیال شوینیست ها به قطعنامه های پاسیفیستی حزب سوسیالیست (دسامبر سال ۱۹۱۶) و «کنفدراسیون کل کار» (یعنی سازمان کشوری اتحادیه های کارگری فرانسه) در همان دسامبر سال ۱۹۱۶ رأی می دادند؛ توراتی و شرکاء در ایتالیا که در آن جا تمام حزب موضع سوسیال پاسیفیستی را اشغال کرده است و توراتی شخصاً در نطق ۱۷ دسامبر سال ۱۹۱۶ تا جایی «لغزید» (البته نه بر حسب تصادف) که عبارتی ناسیونالیستی برای آرایش جنگ امپریالیستی به کار برد.

روبرت گریم، صدر سیمروالد و کینتال، در ژانویه سال ۱۹۱۷ بر ضد انترناسیونالیست های در کردار با سوسیال شوینیست های حزب خود (گرلیخ، بفلوگر، گوستاو مولر و سایرین) متحد گردید.

این رفتار دو پهلو و دورویانه اکثریت سیمروالد در جریان دو جلسه سیمروالدیست های کشورهای مختلف که در ژانویه و فوریه سال ۱۹۱۷ بر پا بود، رسماً از طرف انترناسیونالیست های دست چپ چند کشور تقبیح گردید: از طرف مونزنبورگ دبیر سازمان بین المللی جوانان و سردبیر روزنامه عالی انترناسیونالیستی موسوم به «انترناسیونال جوانان»؛ زینویف نماینده ی کمیته ی

<sup>۱</sup> - منظور بیانیه ایست تحت عنوان «خطاب به مللی که خانه خراب شان می سازند و به فنای شان می برند». این بیانیه در دومین کنفرانس بین المللی «سیمروالد» که از ۲۴ تا ۳۰ آوریل سال ۱۹۱۶ در کینتال (سوئیس) بر پا بود، به تصویب رسید. برای اطلاع از اهمیت کنفرانس کینتال و بیانیه ای که در این کنفرانس به تصویب رسید، رجوع شود به ترجمه ی فارسی کتاب «دوره ی مختصر تاریخ حزب کونیست (ب) اتحاد شوروی» چاپ مسکو صفحه ۲۷۰-۲۷۱).

مرکزی حزب ما؛ ک. رادک از حزب سوسیال دموکرات لهستان («هینت مدیره ی ایالتی»); هارتشین سوسیال دموکرات آلمان، عضو «گروه اسپارتاک».

به پرولتاریای روس خیلی چیزها داده شده است؛ در هیچ جای جهان مانند روسیه طبقه ی کارگر هنوز موفق نشده است دامنه ی انرژی انقلابی را تا این حد بسط دهد. ولی به هر کس خیلی چیزها داده شده خیلی چیزها هم از او خواسته می شود.

تحمل منجلا ب سیمروالد از این پس غیر ممکن است. بیش از این نمی توان به خاطر «کانوتسکیست های» سیمروالد با انترناسیونال شونیستی پلخاتف ها و شیدمان ها در حالت نیمه ارتباط ماند. باید فوراً پیوند را با این انترناسیونال گسست. باید فقط به منظور کسب اطلاع در سیمروالد ماند.

باید به ویژه ما و به خصوص اکنون، بدون درنگ انترناسیونال پرولتاری، انقلابی جدیدی تأسیس نمائیم یا به عبارت صحیح تر ترسی نداشته باشیم از این که با صدای رسا اعتراف نمائیم که این انترناسیونال اکنون تأسیس شده و در حال عمل است.

این انترناسیونال- انترناسیونال آن «انترناسیونالیست های در کردار»یست که من در بالا دقیقاً آن ها را نام بردم. آن ها و فقط آن ها هستند که فاسدکننده توده ها نبوده بلکه نماینده ی توده های انترناسیونالیست انقلابی هستند.

اگر تعداد این قبیل سوسیالیست ها قلیل هم باشد، بگذار هر کارگر روسی از خود سؤال کند که مگر در آستان انقلاب فوریه - مارس سال ۱۹۱۷ تعداد انقلابی های آگاه در روسیه زیاد بود؟

آن چه در خور اهمیت است تعداد نیست بلکه بیان صحیح عقاید و سیاست پرولتاریای واقعاً انقلابی است. مطلب بر سر «اعلام» انترناسیونالیسم نیست بلکه بر سر اینست که حتا در دشوارترین مواقع بتوان انترناسیونالیست در کردار بود.

خود را با امید به سازش ها و کنگره های بین المللی فریب ندهیم. مادامی که جنگ امپریالیستی ادامه دارد روابط بین المللی در منگنه ی آهنین دیکتاتوری نظامی

بورژوازی امپریالیست فشرده می شود. وقتی که حتا میلیوکف «جمهوری خواه» که مجبور است وجود حکومت فرعی شورای نمایندگان کارگران را تحمل نماید، در آوریل سال ۱۹۱۷ اجازه نداد فریتس پلاتن سوسیالیست سونیس، دبیر حزب، انترناسیونالیست، شرکت کننده ی سیمروالد و کینتال به روسیه بیاید و حال آن که نامبرده همسرش روس و برای دیدن اقوام همسر خود می خواست به روسیه بیاید، و ضمناً در ریگا هم در انقلاب ۱۹۰۵ شرکت کرده بود و به همین مناسبت در روسیه زندانی شده و برای آزادی خود به حکومت تزاری وثیقه داده بود و اکنون می خواست این وثیقه را پس بگیرد، باری وقتی میلیوکف «جمهوری خواه» در آوریل سال ۱۹۱۷ در روسیه قادر به انجام چنین کاری بود، آن وقت می توان قضاوت کرد که وعده و وعیدها، عبارت پردازی ها و بیانیه های بورژوازی در باره ی صلح بدون الحاق طلبی دارای چه ارزشی است.

و اما توقیف تروتسکی از طرف حکومت انگلستان؟ ممانعت از خروج مارتف از سونیس و امیدواری به کشاندن او به انگلستان که در آن جا همان سرنوشت تروتسکی در انتظار اوست؟

خود را دچار توهم نکنیم، خود را فریب ندهیم.

اکنون که ثابت شده است حتا از استکهلم اجازه نمی دهند سوسیالیست های وفادار به انترناسیونالیسم نزد ما بیایند و نمی گذارند حتا نامه های آن ها برسد و حال آن که این عمل کاملاً امکان پذیر است و سانسور نظامی نیز فعال مایشانی مطلق دارد، دیگر «به انتظار» کنگره ها یا انجمن های بین المللی نشستن معنایش خیانت به انترناسیونالیسم است.

حزب ما باید به انتظار ننشیند و بی درنگ انترناسیونال سوم را تأسیس کند. در این صورت صدها سوسیالیست در زندان های آلمان و انگلستان نفسی به راحت خواهند کشید، «هزاران و باز هم هزاران کارگر آلمانی که اکنون اعتصاب و دموستراسیون بر پا می کنند و ویلهلم رذل و راهزن از آن ها در هراس است، در

اوراق مخفی تصمیم ما، اعتماد برادرانه ی ما را نسبت به کارل لیبکنخت و فقط نسبت به او و نیز تصمیم ما را مبنی بر این که اکنون هم علیه «دفاع طلبی انقلابی» مبارزه نمایم خواهند خواند و با این خواندن ایمان آن ها نسبت به انترناسیونالیسم انقلابی شان راسخ خواهد شد.

به هر کس خیلی چیزها داده شده خیلی چیزها هم از او خواسته می شود. هیچ کشوری در جهان اکنون مثل روسیه این قدر از آزادی برخوردار نیست. از این آزادی استفاده کنیم ولی نه برای موعظه پشتیبانی از بورژوازی یا از «دفاع طلبی انقلابی» بورژوائی بلکه برای تأسیس جسورانه و شرافتمندانه، پرولتاری و لیبکنختی انترناسیونال سوم، انترناسیونالی که دشمن آشتی ناپذیر خائنین سوسیال شونیست و افراد متزلزل «مرکز» نیز باشد.

۲- در این که راجع به وحدت سوسیال دموکرات های روسیه جای هیچ گونه سخنی نمی تواند باشد، پس از شرح فوق، دیگر حاجتی به توضیح زیاد نیست. بهتر است همان طور که لیبکنخت رفتار کرد دو نفری باقی ماند. که معنایش باقی ماندن با پرولتاریای انقلابی است. ولی حتا برای یک دقیقه هم فکر وحدت با حزب کمیته ی تشکیلات، با چخیدزه و تسره تلی را که با پوترسرف در روزنامه ی «رابوچایا گازتا» ائتلاف می نمایند و در کمیته ی اجرایی شورای نمایندگان کارگران بر له وام رأی می دهند<sup>۲</sup> و تا مرحله ی «دفاع طلبی» سقوط کرده اند. به خود راه نداد.

بگذار مرده ها خود مرده های خود را دفن کنند.

---

<sup>۲</sup> - لنین اخذ رأی منشویک ها را در جلسه ی کمیته ی اجرایی شورای پتروگراد مورخه ی ۷ آوریل سال ۱۹۱۷ در باره ی پشتیبانی از «وام در راه رهائی» که حکومت موقت برای تأمین مخارج جنگی صادر نموده بود در نظر دارد.

هر کس می خواهد به متزلزلین کمک کرده باشد باید ابتدا خود از تزلزل دست بردارد.

## منتخب آثار لنن صفحه ۴۵۸

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yashazarri@yahoo.com](mailto:yashazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴